

*
دکتر محمد امیر شیخ نوری

صادرات نفت

و تغییر شکل اقتصاد کشورهای نفتی

چکیده:

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بخصوص در دهه های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ در بازرگانی جهان تغییرات زیادی را مشاهده می کنیم؛ به این ترتیب که شاهد رشد صادرات، هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه (بخصوص در کشورهای تولید کننده مواد خام) هستیم. حتی عده ای از اندیشمندان، توسعه صادرات را راه حلی برای توسعه کشورهای در حال رشد مطرح کرده اند؛ مثل کیرن کراس (Cairncross) مینت (Myint) بالدوین (Baldwin) و بلاسا (Balassa) که معتقد هستند کشورهای در حال توسعه تا آنجا که امکان دارد باید در آمد صادراتی خود را افزایش دهند.

مقدمه :

کشورهای صادر کننده مواد خام و بخصوص نفت در دهه ۷۰ و ۸۰ در صادرات خود، رشد زیادی داشته اند؛ در سال ۱۹۷۴ رشد بی سابقه آنها به ۲۰۱ درصد و مجموع صادرات آنها به ۱۲۰/۵ میلیارد دلار رسید.^۱

در این مقاله سعی می کنیم که رابطه رشد صادرات با رشد اقتصادی را در این کشورها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، به تبیین این واقعیت پردازیم که رشد صادرات به تنهایی دلیل بر رشد اقتصادی نیست بلکه بر عکس اقتصاد این گونه کشورها را در مخاطره جدی قرار می دهد. از نظر اقتصادی، رشد صادرات در توسعه واقعی جوامعی که این ماده را تولد می کنند، تحرکی بنیادی به وجود نمی آورد؛ زیرا این کشورها از پول مواد خام استفاده می کنند و قسمت اعظم این مواد نیز به صورت خام صادر می شود و این خود یکی از موانع اصلی صنعتی شدن این کشورهاست.

صادرات و رشد اقتصادی:

حجم صادرات جهانی در دهه ۷۰ به رقم ۹۴۱۰/۵ میلیارد دلار رسید که رشدی برابر ۴۰۸ درصد نسبت به دهه ۶۰ را نشان می دهد. در دهه ۶۰ میزان صادرات جهان به ۱۸۵۶/۶ میلیارد دلار بوده است. به طوری که جدول شماره ۱ نشان می دهد کشورهای صنعتی در سال ۱۹۷۳ با افزایش چشمگیر ۳۶/۳ درصد در صادرات خود مواجه شده اند. ارزش صادرات این قبیل کشورها در طول ۲۰ سال مورد بررسی همواره سیر صعودی داشته است. رشد متوسط سالیانه این کشورها در دهه ۶۰ برابر ۹/۹٪ و در دهه ۷۰ برابر ۱۹/۲٪ بوده است.^۲

جدول ۱- ارزش صادرات کشورهای صنعتی در دو دهه ۶۰-۷۰ با درصد رشد سالیانه

دهه ۶۰			دهه ۷۰		
سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه	سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه
۱۹۶۱	۸۸/۷	۲/۱	۱۹۷۱	۲۲۶/۱	۱۱/۹
۱۹۶۲	۹۳/۰	۶	۱۹۷۲	۲۹۲/۴	۱۸/۸
۱۹۶۳	۱۰۱/۶	۹/۲	۱۹۷۳	۳۹۸/۵	۳۶/۳
۱۹۶۴	۱۱۵/۱	۱۳/۳	۱۹۷۴	۵۳۶/۶	۳۲/۷
۱۹۶۵	۱۲۵/۷	۹/۲	۱۹۷۵	۵۶۸/۰	۵/۸
۱۹۶۶	۱۳۸/۷	۱۰/۳	۱۹۷۶	۶۳۱/۷	۱۱/۲
۱۹۶۷	۱۴۶/۲	۵/۲	۱۹۷۷	۷۱۶/۱	۱۳/۴
۱۹۶۸	۱۶۴/۸	۱۲/۷	۱۹۷۸	۸۵۷/۷	۱۹/۸
۱۹۶۹	۱۹۰/۰	۱۵/۳	۱۹۷۹	۱۰۵۲/۷	۲۲/۷
۱۹۷۰	۲۲۰/۰	۱۵/۸	۱۹۸۰	۱۲۳۹/۵	۱۷/۷
جمع ده سال	۱۷۸۲/۲	-	جمع ده سال	۶۵۳۹/۳	-
		۲۷۵۷/۱	تفاوت ارزش دو دهه		
		%۲۵۶/۵	رشد دهه ۷۰ به ۶۰		

واحد : میلیارد دلار

جدول شماره ۲ ارزش صادرات ژاپن^۳ را در هر یک از سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ با درصد رشد سالیانه نمایش می دهد. بر پایه ارقام این جدول ، صادرات ژاپن در سال ۱۹۶۱ حدود ۴ میلیارد دلار بود. این رقم در پایان دهه ۶۰ یعنی در سال ۱۹۷۰، بالغ بر ۱۹/۳ میلیارد دلار شد. در آغاز دهه ۷۰، یعنی سال ۱۹۷۱، صادرات ژاپن با افزایشی حدود ۲۵ درصد به ۲۴/۱ میلیارد دلار رسید. در پایان همین دهه (در سال ۱۹۸۰) صادرات این کشور به ۱۳۰ میلیارد دلار بالغ شد.

جدول ۲- ارزش صادرات ژاپن در دو دهه ۶۰-۷۰ با درصد رشد سالیانه

دهه ۶۰			دهه ۷۰		
سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه	سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه
۱۹۶۱	۲/۲	۲/۷	۱۹۷۱	۲۳/۱	۲۳/۹
۱۹۶۲	۵/۰	۱۳/۸	۱۹۷۲	۲۹/۱	۲۰/۶
۱۹۶۳	۵/۳	۱۰/۹	۱۹۷۳	۳۷/۰	۲۷/۳
۱۹۶۴	۶/۷	۲۲/۳	۱۹۷۴	۵۵/۵	۳۹/۸
۱۹۶۵	۸/۵	۲۶/۶	۱۹۷۵	۵۵/۸	۰/۶
۱۹۶۶	۹/۸	۱۵/۷	۱۹۷۶	۶۷/۳	۲۰/۶
۱۹۶۷	۱۰/۳	۶/۸	۱۹۷۷	۸۱/۱	۲۰/۵
۱۹۶۸	۱۳/۰	۲۳/۲	۱۹۷۸	۹۸/۲	۲۱/۱
۱۹۶۹	۱۶/۰	۲۳/۳	۱۹۷۹	۱۰۲/۳	۲/۲
۱۹۷۰	۱۹/۳	۲۰/۸	۱۹۸۰	۱۳۰/۳	۲۷/۵
جمع ده سال	۹۸/۳	-	جمع ده سال	۶۸۰/۹	-
		۵۸۲/۶	تفاوت ارزش دو دهه		
		%۵۹۳	% رشد دهه ۷۰ به ۶۰		
واحد : میلیارد دلار					

جدول شماره ۳ ارزش صادرات کشور هلند^۴ را نشان می دهد. این کشور در ارزش صادرات خود در دهه ۷۰ نسبت به دهه ۶۰ رشدی برابر ۴۶۰ درصد داشته است. مجموع ارزش صادرات هلند در دهه ۶۰ حدود ۷۰/۲ میلیارد دلار بوده که با ۳۲۲/۷ میلیارد دلار افزایش در دهه ۷۰، مجموع ارزش صادرات آن به رقم ۳۹۲/۸ میلیارد دلار بالغ شده است.

جدول ۳- ارزش صادرات هلند در دو دهه ۶۰-۷۰ با درصد رشد سالیانه

دهه ۶۰			دهه ۷۰		
سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه	سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه
۱۹۶۱	۲/۳	۶/۹	۱۹۷۱	۱۳/۷	۱۷/۵
۱۹۶۲	۲/۶	۶/۵	۱۹۷۲	۱۶/۴	۱۹/۷
۱۹۶۳	۵/۰	۸/۲	۱۹۷۳	۲۳/۵	۴۳/۳
۱۹۶۴	۵/۸	۱۷	۱۹۷۴	۲۳/۷	۳۹/۴
۱۹۶۵	۶/۴	۱۰/۱	۱۹۷۵	۳۵/۰	۶/۹
۱۹۶۶	۶/۷	۵/۶	۱۹۷۶	۲۰/۰	۱۴/۳
۱۹۶۷	۷/۳	۹/۷	۱۹۷۷	۲۳/۷	۹/۲
۱۹۶۸	۸/۴	۱۵	۱۹۷۸	۵۰/۱	۱۴/۷
۱۹۶۹	۱۰/۰	۱۹/۲	۱۹۷۹	۶۳/۷	۲۷/۱
۱۹۷۰	۱۱/۷	۱۶/۷	۱۹۸۰	۷۴/۰	۱۶/۱
جمع ده سال	۷۰/۲	-	جمع ده سال	۳۹۲/۹	-
		۳۲۲/۷	تفاوت ارزش دو دهه		
		%۴۶۰	%رشد دهه ۷۰ به ۶۰		
واحد : میلیارد دلار					

اینها نمونه هایی بودند از رشد صادرات دو کشور صنعتی جهان. از طرف دیگر کشورهای صادر کننده نفت نیز با رشد زیادی در صادرات خود مواجه بوده اند. ارزش مجموعه صادرات این کشورها (با احتساب صادرات نفت) که در دهه ۶۰ حدود ۱۰۸ میلیارد دلار بود، در دهه هفتاد با ۱۰۵۳ درصد افزایش، به ۱۲۴۷/۷ میلیارد دلار رسید. این کشورها در دهه ۶۰ با رشد میانگین ۲۰/۱٪ در سال روبه رو بودند که در دهه ۷۰ این رشد به ۴۱/۳٪ بالغ شد. از میان کشورهای صادر کننده نفت، کشور عربستان سعودی با دارا بودن ۲۳۴۷٪ رشد در

دهه ۷۰، نسبت به دهه ۶۰ در مجموعه کشورهای صادر کننده نفت، بیشترین صادرات را داشته است. ارزش صادرات این کشور در سال ۱۹۶۱، کمتر از یک میلیارد دلار بود و در پایان دهه ۶۰ (در سال ۱۹۷۰) نیز صادرات عربستان سعودی به زحمت به ۲/۵ میلیارد دلار رسید؛ اما در پایان دهه ۷۰ ارزش صادرات این کشور به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ شد. کشور عربستان سعودی همزمان با بالا رفتن قیمت نفت در سال ۷۳، در ارزش صادرات خود نسبت به سال ۷۲ رشدی برابر ۷۲٪ داشت که در سال ۱۹۷۴ این رشد به ۳۰۰ درصد رسید.^۵

ونزوئلا و ایران بعد از عربستان سعودی بالاترین رشد صادرات را دارا بوده اند. این مطلب را جدولهای شماره ۴ و ۵ بخوبی بازگو می کنند.^۶

جدول ۴ - ارزش صادرات کشورهای صادر کننده نفت در دهه ۷۰ و ۶۰

دهه ۶۰			دهه ۷۰		
سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه	سال	ارزش صادرات	درصد رشد سالیانه
۱۹۶۱	۷/۲	-۰/۳	۱۹۷۱	۲۱/۸	۲۹/۸
۱۹۶۲	۷/۴	۲/۱	۱۹۷۲	۲۵/۳	۱۶/۱
۱۹۶۳	۸/۵	۱۶/۰	۱۹۷۳	۳۰/۰	۵۷/۹
۱۹۶۴	۹/۶	۱۲/۰	۱۹۷۴	۱۲۰/۵	۲۰۱/۲
۱۹۶۵	۱۰/۱	۵/۳	۱۹۷۵	۱۱۱/۳	-۷/۷
۱۹۶۶	۱۰/۸	۷/۲	۱۹۷۶	۱۳۳/۹	۲۱/۳
۱۹۶۷	۱۱/۳	۴/۸	۱۹۷۷	۱۳۷/۸	۹/۶
۱۹۶۸	۱۲/۶	۱۱/۶	۱۹۷۸	۱۴۱/۷	-۴/۱
۱۹۶۹	۱۴/۰	۱۰/۶	۱۹۷۹	۲۰۹/۶	۳۷/۹
۱۹۷۰	۱۶/۸	۲۰/۱	۱۹۸۰	۲۹۲/۷	۴۰/۷
جمع ده سال	۱۰۸/۳	-	جمع ده سال	۱۲۴۷/۷	-
			تفاوت ارزش دو دهه		
			٪ رشد دهه ۷۰ به ۶۰		
			۱۱۳۹/۴		
			٪۱۰۵۳		

واحد : میلیارد دلار

جدول ۵ - ارزش صادرات ایران، عربستان سعودی و نروژلا در دهه ۷۰ و ۶۰

جدول (۵)
ارزش صادرات ایران، عربستان سعودی و نروژلا در دهه ۶۰ و ۷۰

۶۰هده						۷۰هده							
ایران		عربستان سعودی		نروژلا		ایران		عربستان سعودی		نروژلا			
سال	ارزش صادرات	درصد رشد	ارزش صادرات	درصد رشد	ارزش صادرات	درصد رشد	سال	ارزش صادرات	درصد رشد	ارزش صادرات	درصد رشد		
۱۹۶۱	۰/۸۵	-۰/۸	۰/۸۷	۷/۶	۲/۲	-۳/۵	۱۹۷۱	۳/۸	۳۵/۵	۳/۵	۲۷/۸	۳/۱	
۱۹۶۲	۰/۸۲	-۳/۴	۰/۹۵	۸/۶	۲/۳	۵/۳	۱۹۷۲	۴/۰	۵/۶	۴/۵	۳۱/۰	۴/۲	
۱۹۶۳	۰/۹۲	۱۱/۸	۱/۰	۷/۵	۲/۳	-۰/۲	۱۹۷۳	۶/۲	۵۴/۷	۷/۸	۲۱/۷	۲/۹	
۱۹۶۴	۱/۲	۳۶/۲	۱/۱	۶/۷	۲/۵	۵/۵	۱۹۷۴	۲۱/۶	۲۲۷/۵	۳۱/۲	۳۹۹/۵	۱۱/۰	
۱۹۶۵	۱/۳	۴/۲	۱/۳	۱۶/۲	۲/۴	-۰/۷	۱۹۷۵	۲۰/۲	-۶/۳	۳۷/۹	-۱۰/۵	۸/۸	
۱۹۶۶	۱/۲	-۰/۴	۱/۵	۱۸/۰	۲/۳	-۳/۳	۱۹۷۶	۳۳/۵	۱۶/۳	۳۶/۳	۳۰/۲	۹/۳	
۱۹۶۷	۱/۹	۲۷/۲	۱/۶	۷/۰	۳/۵	۶/۲	۱۹۷۷	۲۲/۳	۳/۲	۴۱/۱	۱۳/۳	۹/۵	
۱۹۶۸	۱/۸	-۲/۵	۱/۸	۱۱/۲	۲/۵	-۰/۶	۱۹۷۸	۲۲/۱	-۸/۹	۳۷/۸	-۸/۰	۹/۲	
۱۹۶۹	۲/۱	۱۱/۶	۱/۹	۵/۱	۲/۵	-۰/۶	۱۹۷۹	۱۹/۹	-۹/۶	۵۷/۵	۵۲/۰	۱۲/۳	
۱۹۷۰	۲/۶	۲۵/۲	۲/۳	۲۵/۸	۲/۶	۵/۳	۱۹۸۰	۱۴/۱	-۲۹/۴	۱۰۲/۲	۳۷/۸	۱۱/۲	
جمع ده سال	۱۸/۸	-	۱۴/۳	-	۲۴/۴	-	جمع ده سال	۱۵۹/۸	-	۳۲۹/۹	-	۹۲/۶	-

واحد: میلیارد دلار

این جدولها نشان می دهند که رشد صادرات عربستان سعودی، ایران و نروژلا، از سال ۱۹۷۰ به بعد در بعضی سالها از کشورهای صنعتی مثل ژاپن - هلند، فرانسه بیشتر بوده است. اکنون این سوال مطرح می شود که با توجه به بالا بودن رشد صادرات در این کشورها، آیا رشد اقتصادی عربستان سعودی با ژاپن، هلند و یا با فرانسه قابل مقایسه است؟

به طور مثال، عربستان سعودی در سال ۱۹۷۳، ۷۱/۷ درصد رشد سالیانه داشته است؛ در صورتی که در همان سال، رشد صادرات ژاپن ۲۷/۳ و هلند ۴۳/۳ بوده است. همچنان که صادرات عربستان سعودی ۷۷/۸ و در همان حال، رشد صادرات ژاپن ۲۷/۵ و هلند ۱۶/۱ بوده است.

برای اینکه به این سوال پاسخ دقیق تری بدهیم، نقش کشورهای در حال توسعه را در تولید محصولات صنعتی مورد مطالعه قرار می‌دهیم. با توجه به آمار و ارقام، در حال حاضر حدود ۹ درصد از محصولات صنعتی جهان، در کشورهای جهان سوم تولید می‌شود و بیشتر صنایع موجود در این کشورها از تکنولوژی قدیمی و عقب افتاده استفاده می‌کنند. همچنین بیشتر تولیدات این کشورها در چنگال شبکه تولیدی، تکنولوژیکی، مالی و تجاری شرکت‌های چند ملیتی گرفتارند. اگر روند فعلی ادامه یابد در چند سال آینده کشورهای توسعه نیافته حدود ۱۳/۵ درصد از تولید جهانی محصولات صنعتی را به خود اختصاص خواهند داد. آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که کشورهای توسعه نیافته بیش از ۸ درصد از تولیدات صنایع چوب را در اختیار داشته‌اند ولی فقط ۰/۱ درصد از ماشین‌آلات مربوط به آن را تولید نموده‌اند. این کشورها با برخورداری از ۲۸/۵ درصد از کل تولیدات کشاورزی جهان فقط ۶/۹ درصد از واحدهای تولید ادوات کشاورزی را دارا می‌باشند که ۴۰ درصد تولیدات آنها، منحصر به تولید، یکی از ابزارهای ابتدایی کشاورزی است. فقط ۶/۶ درصد ماشین‌های بافندگی، ۸ درصد موتورهای الکتریکی، ۳ درصد ماشین‌های تراش، ۷/۱ درصد ماشین‌های فرز، ۰/۹ درصد ماشین‌های پرس، آهنگری و نورد فلزات و ۶٪ درصد از ماشین‌های برش فلزات در کشورهای توسعه نیافته تولید می‌شوند. حتی در صنایع مربوط به تولید وسایل نقلیه که در چند سال گذشته شاهد تبلیغات زیادی در مورد تولید آن در کشورهای توسعه نیافته بوده ایم سهم تولید این کشورها در سال ۱۹۷۹ فقط ۵/۸ درصد بوده است.^۷

در مورد ایران جدول شماره ۶^۸ میزان صادرات نفتی را نسبت به کل صادرات ایران نشان می‌دهد.

همچنان که ملاحظه می‌شود سهم صادرات غیر نفتی از سال ۵۲ به بعد با افت و خیزهایی مرتباً در حال کاهش بوده است و قسمت اعظم درآمدهای نفتی صرف واردات کالا شده که نتیجه آن وابستگی کشور به خارج می‌باشد.

علاوه بر این در همین دوره، به علت افزایش درآمدها و افزایش تقاضا در داخل کشور، بیشتر فعالیتهای سرمایه گذاری در جهت تامین تقاضای داخلی هدایت شده است؛ نه در جهت صادرات و تامین ارز برای کشور، و اصولاً استراتژی جانشین واردات مورد پذیرش قرار گرفته بود. به طور اختصار می توان گفت که به علت پایین بودن کیفیت کالاهای صادراتی و عدم سرمایه گذاریهای مناسب در این بخش و سایر عوامل، بخش صادرات غیر نفتی دچار رکود شد. نقش صادرات غیر نفتی در تولید ناخالص ملی در کشورهای مختلف به این مسائل بستگی دارد که درآمدهای ارزی آن کشور تا چه حدی بدان وابسته است. در کشوری نظیر ایران که اقتصاد آن متکی به درآمدهای نفتی است، صادرات غیر نفتی نقش چندان در تولید ناخالص ملی ایفا نمی کند؛ اما سهم صادرات غیر نفتی در تولید ناخالص ملی همه ساله رو به کاهش بوده است؛ به طوری که از ۲/۹ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۱ رسیده است.

جدول ۶ - نسبت صادرات نفتی به کل صادرات (میلیارد ریال)

۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	
۲۲/۱	۲۱/۵	۱۴/۳	۱۳/۹	۲۲/۷	۲۲/۷	۱۳۵/۹	۱۴۷۸/۶	۱۳۲۷/۳	۱۴۷۸	۱۵۰۱/۴	۱۴۴۷/۵	کل صادرات
۲۰/۵	۲۰/۱	۱۲/۵	۱۲/۹	۱۹/۴	۱۸/۱	۱۲۷/۷	۱۳۹۶/۷	۱۲۴۰/۹	۱۲۰۴/۲	۱۲۴۶/۴	۱۲۷۶/۸	صادرات نفتی
۹۲/۸	۹۳/۵	۸۷/۴	۸۵/۶	۸۵/۵	۷۹/۳	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۵	۹۵	۹۴/۷	سهم صادرات نفتی به کل صادرات (درصد)

ماخذ: اطلاعات سیاسی - اقتصادی - سال اول - شماره نهم - ص ۸
* ارقام مربوط به سالهای ۵۷ به بعد به میلیارد دلار است.

در سال ۱۳۵۸ صنایع سنگین ایران تنها قادر به تامین ۳/۴ درصد از ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز صنایع ایران بوده اند و ۷/۹۵ درصد بقیه از خارج تامین شده است. در برخی رشته ها از جمله صنایع نساجی ماشین آلات و صنایع شیمیایی، وضع وابستگی به خارج از نظر تامین ماشین آلات و قطعات خارجی وخیم تر از سایه رشته ها بوده است. عمده ترین کشورهای تامین کننده

این نیاز (ماشین آلات و قطعات)، آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، فرانسه و ایتالیا بوده اند و اینان همان کشورهای عمده خریدار نفت ایران هستند.

این تصویر دردناک، بیانگر چنان ساختاری از صنایع و به ویژه صنایع سنگین ایران است که نارسایی و ناموزونی در آن و بی ارتباطی صنایع سنگین با صنایع مصرفی، نفت و پتروشیمی وجه مشخص آن می باشد.^۹

به نوشته دکتر رزاقی، اقتصاد ایران در یک قرن به ویژه از فردای کودتای ۱۲۹۹، با گسترش روابط سرمایه‌داری، گاه پرشتاب و گاه کند حرکتی داشت که نتیجه آن تا قبل از پیروزی انقلاب، پیوند یکپارچه، اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی سرمایه داری است.

در دوره رضا شاه با واردات صنایع جدید، ماشینی مصرف و گسترش روابط پولی، نظم جدید بنیان نهاده شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد با انجام اصلاحات ارضی و سپس واردات صنایع مونتاژ و انواع کالاهای مصرفی تغییرات عمیق ساختاری در اقتصاد ایران به وجود آمد. پس از افزایش قیمت نفت و با چند برابر شدن در آمد آن، از سالهای اوایل دهه ۱۳۵۰، تغییرات مزبور به شدت گسترش یافت و اقتصادی کاملاً وابسته به الگوی مصرف متناسب با آن در ایران پدیدار شد.^{۱۰}

البته در این تغییرات هیچ برنامه قابل ذکری وجود نداشت: اینها نتیجه هوسها و آرزوهای شبه مدرنیستی ناگهانی بود که هماهنگ با افزایش غیر منتظره عواید نفت، آشکار و روی هم تلنبار می شد.^{۱۱}

ملاحظه می شود که سهم کشورهای توسعه نیافته با وجود دارا بودن معادن و مواد خام سرشار و بالا بودن میزان صادرات در بازار جهانی، در تولید محصولات صنعتی بسیار ناچیز است. در صورتی که این کشورها از نظر دارا

بودن مواد اولیه مقام اول را دارند و احتیاجات کارخانجات کشورهای صنعتی را آنها تامین می کنند. جدولهای زیر این مواد را به خوبی نشان می دهند:

سهم کشورهای در حال توسعه در واردات کشورهای صنعتی در^{۱۲} سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) در مقایسه با سال ۱۳۶۹ (۱۳۴۸)

۱۹۶۹	۱۹۶۲		۱۹۶۹	۱۹۶۲	
%۸۲	%۷۴/۱	منگنز	%۷۴	%۶۱/۱	پنبه
%۶۱	%۵۷/۸	سنگ مس	%۹۱	%۷۵/۵	کائوچو
%۳۳	%۳۵/۹	روی	%۹۲	%۴۹/۳	چوب
%۳۴	%۴۲/۷	سرب	%۵۲	%۹۲/۷	نفت خام
			%۸۱	%۶۴/۵	فسفات
			%۵۲	%۸۶/۸	بوکسیت
				%۴۹/۱	سنگ آهن

درصد وابستگی واردات مواد اولیه از کشورهای جهان سوم (بجز کشورهای بلوک شرق) به کل واردات در سال ۱۹۸۴^{۱۳} (۱۳۶۳)

%۶۴	ایالات متحده امریکا
%۳۶/۴	انگلستان
%۳۵/۲	آلمان فدرال
%۳۵/۶	فرانسه
%۴۱/۸	ایتالیا
%۲۸/۷	سوئد

این عدم تناسب، نتیجه روند چندین قرن تسلط کشورهای امپریالیستی بر کشورهای جهان سوم می باشد که آنها را از مسیر طبیعی رشد خود منحرف و در جهتی هدایت کرده اند که خود می خواستند. ورود کشورهای آسیایی،

افریقایی و امریکای لاتین به بازار جهانی به عنوان عرضه کننده دائمی و مطمئن منابع طبیعی برای حفظ موقعیت مسلط کشورهای صنعتی در اقتصاد جهان، امری اساسی است. ورود این کشورها به بازار جهانی آن دسته از آنها را که به تولید مواد خام می پردازند به نحوی موثر تحت تاثیر قرار می دهد و دو مساله را باعث می شود.^{۱۴}

(۱) منحرف کردن آنها از راه توسعه و تکاملی که مستلزم استقلال و اعتماد به نفس است.

(۲) از دست دادن خوداتکایی اقتصادی و وابسته شدن به صادرات، برای حفظ ابقای اقتصاد. با توجه به این عملکرد در واقع تغییرات جهان سوم نتیجه گسترش سرمایه داری اروپای غربی به ماورای قاره اروپاست که به واسطه شکل گیری یک بازار جهانی و شکل‌های مختلف امپریالیسم و استعمار انجام می گیرد.^{۱۵}

نتیجه گیری

آنچه مسلم است، حیات اقتصادی کشورها در گرو حرکت و فعالیت اقتصادی آنها، در داخل و خارج می باشد. رهایی از وضعیت کنونی مستلزم تحوّل اساسی در بینش و حرکت اقتصادی است. بازنگری الگوها، و ایجاد تحوّل در آنها در زمینه تولید و تجارت و مصرف از ضروریات رهایی از شبکه اقتصاد مسلط جهان و نظم امپریالیستی آن است.^{۱۶}

در اینجا دو راه حل پیشنهاد می شود:^{۱۷}

اول جایگزینی واردات و یا به عبارت دیگر، تاکید بر تقاضای داخلی؛ به این ترتیب که دولت این اصل را در مدّ نظر داشته باشد که تک محصولی در صادرات و متکی بودن به درآمد ارزی حاصل از آن (یعنی آسیب پذیری) به دلیل احتیاجات ارزی برای واردات است؛ از این رو، سعی کند میزان واردات را کاهش داده، به جای آن کاهای مورد نیاز را در داخل تولید کند. از این طریق از یک طرف نیازهای ارزی و اتکا به تک محصول کم می شود و آسیب پذیری کاهش یافته، یا از بین می رود و از طرف دیگر تشویق تولیدات داخلی که معمولاً از طریق کنترل ارزی، تعرفه و عوارض گمرکی، سهمیه بندی و سایر سیاستهای محدود کننده واردات انجام می گیرد علی القاعده، موجب توسعه و رشد اقتصادی کشور می گردد.

راه دوم برای از بین بردن یا کاهش آسیب پذیری این است که (جدا از مسأله کاهش واردات) دولت در صدد افزایش تعداد و گوناگون کردن کالاهای صادراتی برآید. یعنی کشور بجای تک محصولی، چندین محصولی بشود. در

نتیجه اگر درآمدهای ارزی از محل آن محصول کاهش یافت، درآمدهای دیگری باشد که بتوان به آنها متکی شد و آسیب پذیری را کاهش داد.

اهم اقداماتی که در این راستا می توان انجام داد، به شرح زیر است.^{۱۸}

(- ایجاد صنایعی که بخش مهمی از تجهیزات و ابزار تولید کشور و حجم وسیعی از کالاها و محصولات مصرفی جامعه را تامین کنند. برای رسیدن به چنین هدفی ضروری است، با توجه به منابع هنگفت نفت و گاز کشور، صنایعی ایجاد شده، توسعه یابند که موجبات افزایش ارزش منابع ملی و در درجه نخست هیدروکربورها را فراهم سازند و تولید محصولات و خدمات استراتژیک ضروری مانند انرژی، فولاد، سیمان و ... برای امر توسعه را افزایش دهد.

(- گسترش و توسعه فعالیت‌های مربوط به صنایع مادر مانند ذوب آهن، نورد آهن و فولاد، ماشین آلات.

(- گسترش و توسعه فعالیت‌های مربوط به صنایع سبک مانند صنایع تبدیل مواد کشاورزی و مواد غذایی، نساجی، صنایع مصالح ساختمانی به منظور تامین کالاهای مورد نیاز جامعه و صدور مازاد آنها به خارج.

(- توسعه و گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع پتروشیمی و دارویی با توجه به منابع عظیم نفت و گاز در کشور و برنامه ریزی برای ایجاد صنایعی که مواد اولیه مورد نیاز آنها نفت گاز باشد.

(- گسترش و توسعه فعالیت‌های مربوط به اکتشاف، استخراج و بهره برداری از منابع معدنی کانی و توسعه تولید آنها در جهت رفع نیاز مواد اولیه صنایع داخلی و نیازهای مصرفی جامعه و صادر کردن مازاد آنها به خارج.

(- کاهش وابستگی تکنولوژیک و استفاده از تکنولوژی مناسب داخلی: افزایش صادرات و کاهش واردات بویژه ترکیب آن مستلزم کاهش وابستگی تکنولوژیکی به خارج و استفاده از تکنولوژی مناسب بومی است.

(- تجهیز سرمایه های داخلی اعم از کوچک و بزرگ به منظور سرمایه گذاری در فعالیتهای تولیدی، به کارگیری اصول صحیح مدیریت صنعتی، کاهش ضایعات و افزایش تولید در مقیاسی بزرگ از اقداماتی است که می تواند به توسعه و گسترش صادرات کمک کند.

نکته دیگر اینکه کشورهای جهان سوم با داشتن مواد معدنی باید سعی کنند که از حالت انفعالی درآمده، با اقتصاد جهانی برخورد فعال نمایند. تاریخ دو دهه گذشته نشان داده است که اگر رفتار سیاسی کشورهای مورد بحث از اتفاق نظر برخوردار باشد این کار غیر ممکن نیست. تجربه چند قرن گذشته و همچنین رویدادهای فعلی مبین آن است که توسعه با استعمار و از طریق استعمار امکان پذیر نیست و قطع وابستگی و خوداتکایی مهمترین و موثرترین اقدام ممکن است. آن وقت است که کشورهای توسعه یافته می توانند با توجه به امکانات عظیمی که دارند، توسعه یابند.

برای خروج از این وضعیت، در هر کشور^{۱۹} معینی باید با توجه به داده های معین تاریخی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور اقدام نمود و این کار وظیفه دولتهای مردمی این مناطق است که با تکیه بر اراده، خواست و رعایت منافع اکثریت مردم کشور یعنی محرومان به طرح و اجرای برنامه های حداقل و حداکثر پردازند.

از طرف دیگر اگر رهبران بتوانند اعتماد ملت را به خود جلب کنند، و در محو امتیازات و نابرابریها بکوشند چنان می توانند توده ها را به شوق پیشرفت برانگیزند که هر مانعی را در هم بشکنند.^{۲۰}

نکته آخر اینکه باید با تکیه بر ظرفیتهای ملی داخلی و سپس منطقه ای و با آگاهی و شناخت عمل کرد. باید دردها را شناخت. ریشه ها را پیدا کرد و سپس بر اساس آگاهی و شناخت روشهای عملی برنامه ریزی کرد. اگر بر این اساس عمل شود، به گفته انجوپولوس^{۲۱}، قرن نوزدهم عصر تسلط انگلیس و اروپا بود و قرن بیستم عصر برتری امریکا و شوروی، مسلماً قرن بیست و یکم عصر برتری آسیا و آفریقا خواهد بود.

یادداشتها

۱- راشدی اشرفی ، علیرضا: بررسی سهم کشورها در صادرات جهانی دهه ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول، شماره هفتم، فروردین ۱۳۶۶، ص ۱۲.

۲- همان ، ص ۹.

۳- همان ، ص ۱۰.

۴- همان ، ص ۱۱.

۵- همان ، ص ۱۲.

همچنین

Pierre Marthelot: Souveraineté et profits
 Dans les pay arabes du golfe
 Revue peuples Meditteraneens - janvier - MARS
 1980 - NO 10. PARIS. P. 53.

۶- همان ، ص ۱۲.

۷- فیدل کاسترو : بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، صص ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۷.

۸- امامیان فرشته: صادرات غیر نفتی، شناخت تنگناها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوم شماره دوم، آبان ۱۳۶۶، صص ۴۸ - ۴۹.

۹- رزاقی ابراهیم : وابستگی در صنعت نفت و رهایی از آن ، اطلاعات سیاسی ، اقتصادی، سال اول، شماره هشتم، اردیبهشت ۱۳۶۶، ص ۲۶.

۱۰- همان ، ص ۲۶.

۱۱- کاتوزیان محمد علی: اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، جلد دوم، صص ۱۸۹ - ۱۹۰.

۱۲- الهی همایون: امپریالیسم و عقب ماندگی، ص ۱۲۲.

۱۳- همان ، ص ۱۲۳.

۱۴- پل باران: اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی و رشد، ترجمه فرهاد نعمانی، ص

۷۳.

نتیجه آنکه سهم صادرات کشورهای عقب نگهداشته شده در صادرات کالاهای صنعتی در مبادلات بین‌المللی بسیار پایین است. حتی طبق جدول زیر سهم کشورهای مزبور در کل تجارب جهانی از نظر ارزش، سیر نزولی داشته است.

سهم گروه‌های اصلی کشورها در صادرات جهان											
بر حسب درصد											
۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۵	۱۹۶۰	۱۹۵۵	۱۹۵۰	گروه کشورها
۶۳/۱	۶۵/۲	۶۷	۶۴/۶	۶۴/۷	۶۶	۷۱/۳	۶۸/۸	۶۶/۸	۶۴/۵	۶۱/۱	کشورهای توسعه یافته سرمایه داری
۲۸/۱	۲۵/۶	۲۳/۳	۲۵/۸	۲۵/۹	۳۲/۲	۱۸	۱۹/۶	۲۱/۷	۲۵/۵	۳۰/۸	کشورهای توسعه نیافته (مجموع)
۱۶/۹	۱۴/۵	۱۲/۳	۱۴/۶	۱۵	۱۴/۱	۶/۸	۷/۱	۷/۵	۸/۱	۷/۲	کشورهای توسعه نیافته صادرات کننده نفتی
۱۱/۳	۱۱/۱	۱۱	۱۱/۲	۱۰/۹	۱۰/۱	۱۱/۳	۱۲/۵	۱۴/۲	۱۷/۴	۲۳/۸	کشورهای توسعه نیافته غیرنفتی
۸/۹	۹/۲	۹/۲	۹/۶	۸/۶	۹/۷	۱۰/۶	۱۱/۶	۱۱/۷	۱۰	۸/۱	کشورهای سوسیالیستی

ماخذ: همایون الهی، ص ۱۵۵

۱۵- رایان روکس بروف: نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه علی هاشمی

گیلانی، ص ۷۱.

- ۱۶- شیخ نوری محمد امیر: ژئوپلیتیک نفت، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تیریز، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، ص ۸۹
- ۱۷- فرهندی علی: آسیب پذیری و رهایی از تک محصولی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول - شماره هفتم - اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۱۰.
- ۱۸- امینی امان الله: صادرات غیر نفتی ایران، آزمون دشوار، اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال اول، شماره سوم، آذرماه ۱۳۶۵ - صص ۱۶ - ۱۷.
- ۱۹- رواسانی شاپور: چپاول، جهان سوم چگونه غارت می شود؟، ص ۱۷۵.
- ۲۰- پل باران: اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزاد منش، ص ۴۰۳.
- ۲۱- آنجلوپولوس: جهان سوم در برابر کشورهای غنی، ترجمه امیر حسین جهاننگلو، ص ۱۷.

کتابشناسی

- ۱) کاتوزیان محمد علی: اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات پایروس، ۱۳۶۸، جلد دوم.
- ۲) روسانی شاپور: چپاول، جهان سوم چگونه غارت می شود؟ تهران، نشر شمع، ۱۳۶۷.
- ۳) الهی همایون: امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، اندیشه، ۱۳۶۷.
- ۴) شالیان ژرار: اسطوره های انقلابی در جهان سوم، محمود ریاضی، تهران، تیراژه، ۱۳۶۳.
- ۵) کاستروفیدل: بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، غلامرضا نصیرزاده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۶) باران پل: اقتصاد سیاسی رشد، کاوه آزاد منش، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.
- ۷) رایان روکس بروف: نظریه های توسعه نیافتگی، علی هاشمی گیلانی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۹.
- ۸) کول جی. پی: فاصله عقب ماندگی، محمود ریاضی و بهمن ذوالفقارپور، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۹) آنجلوپولوس آنجلو: جهان سوم در برابر کشورهای غنی، امیر حسین جهانبگلو، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۲.
- ۱۰) باران پل و موریس داب: اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی و رشد، فرهاد نعمانی، تهران، سیمرغ، ۱۳۵۴.
- ۱۱) همّتی عبدالناصر: مشکلات اقتصادی جهان سوم، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
- ۱۲) اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره هفتم و شماره هشتم.

(۱۳) نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز - پاییز و زمستان ۱۳۷۰

- 14) Revue peuples Mediterraneens, N° 10-Janvier-Mars Paris 1980.
- 15) Compiladora, D. M: petroleoy Ecodesarrollo En Venezuela, Caracas, 1981 Ed, Ateneo
- 16) Alvarez, R, T: Petroleo En Venezuela, Bogota, 1980, Ed, Pluma.